



تهدیدات امنیتی و مسئله توسعه سیاسی در ایران (تجربه دوران جمهوری اسلامی ایران)

سید شمس‌الدین صادقی^۱، مسعود اخوان کاظمی^۲، کامران لطفی^۳

۳۲

دوره ۹، شماره ۱، پیاپی ۳۲

بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۲۶

صص: ۹۷-۱۲۴

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



پس از وقوع انقلاب اسلامی، رشد و تداوم توسعه سیاسی در ایران با مفهوم تهدیدات امنیتی در ابعاد خرد و کلان در پیوند تنگاتنگ قرار گرفته است. تنش در مرزهای جغرافیای سیاسی و نقاط بحران خیز ایران به ویژه تهاجم نظامی خارجی از جانب کشورهای همسایه و نیز حوادث داخلی از قبیل جدایی طلبی گروه‌های معارض و برخی منازعات اجتماعی در فضای سیاسی جامعه به تشدید تمرکز هرچه بیشتر بر مقوله امنیت ملی به عنوان اولویت مهم و اساسی از جانب مجریان و تصمیم گیرندگان کشور منجر شد و از قبل این رویدادها، کنش نیروهای اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفت. از اینرو، هدف از انجام این پژوهش، تبیین چرایی تعلیق روند توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی است و کانون بحث بر تهدیدات امنیتی در ابعاد داخلی و خارجی در این فرآیند، متمرکز می‌باشد. در این راستا، پرسش اصلی آن است که چرا جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی فرآیندگذار به توسعه سیاسی مطلوب را تجربه ننموده است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌گردد که غلبه نگرش امنیت محور بر فضای سیاسی جامعه ایران به مثابه واکنشی در جهت اولویت دادن به حفظ و تحکیم امنیت ملی، فرآیند توسعه سیاسی را تعلیق نموده است. در مجموع به عنوان نتیجه این پژوهش بایستی اذعان نمود که به دلیل تصادم مؤلفه‌های توسعه سیاسی با محیط نامساعد امنیتی ایران، رشد و گسترش یک الگوی توسعه سیاسی پایدار و مطلوب مغفول و مجال بروز و ظهور نیافته است و از مسیر اصلی خود منحرف شده است؛ به عبارت بهتر شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی نظیر جامعه مدنی، حزب، دموکراسی، حقوق شهروندی به واسطه تهدیدات در بستر حوزه‌های امنیتی، تحت شعاع مستقیم قرار گرفته و در وجه کامل و تام خود، تکوین نیافته‌اند. لازم به ذکر است که مبانی متدولوژیک در این مقاله، دو مقوله امنیت و توسعه می‌باشد و روش تحقیق نیز از نوع علی است؛ منظور از مکانیسم علی، این است که هر پدیده‌ای در عالم، معلول علت یا علل معینی است.

کلیدواژه‌ها: ایران، امنیت ملی، توسعه سیاسی، تهدید، تعلیق.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در بیشتر کشورها، مسئله‌ی توسعه سیاسی در کانون توجه دولتمردان و مسئولان اجرایی جامعه قرار دارد تا با بهره‌گیری از امکانات و ابزارهای موجود در جهت تحقق یک الگوی توسعه پایدار در این مسیر گام بردارند اما چنین به نظر می‌رسد که پارادایم توسعه سیاسی در راستای اجرای شاخص‌های کلیدی خود، همواره با چالش‌های متعددی رو برو باشد. از این جهت، تحقق کامل فرآیند توسعه سیاسی در هر کشوری، نیازمند فراهم بودن بسترهای مناسب و زیرساخت‌های موجود است. یکی از این بسترهای مناسب که زیربنای اصلی توسعه سیاسی است و با آن پیوستگی تام دارد، توجه جدی به مقوله امنیت است؛ چراکه یکی از شروط اصلی تحقق توسعه سیاسی در هر محیطی، وجود آرامش و امنیت در جامعه می‌باشد.

از این منظر، وجود مرزهای ایمن و کاهش تهدیدات امنیتی خارجی و داخلی، آرامش را بر جامعه حاکم می‌سازد و این امر به دنبال خود، مسیر فرآیند توسعه سیاسی در داخل کشور را تسهیل می‌کند. به عنوان یک ضرورت عینی، بایستی عنوان نمود که ایران از جمله‌ی کشورهایی است که در طول تاریخ توسعه سیاسی خود، همواره تجربه پُر فراز و نشیبی از تهدیدات امنیتی را پشت سر نهاده است. تهاجم کشورهای متخاصم، وجود جنگ‌های متعدد در برهه‌های زمانی مختلف، همسایگان ناآمن و نیز تجزیه-طلبی برخی گروه‌های معارض داخلی، جغرافیای سیاسی خاصی را برای محیط امنیتی ایران رقم زده است و این مسئله خود باعث شده تا حفظ و گسترش امنیت کشور و به خصوص مناطق مرزی و نیز تقویت امنیت ملی به عنوان یکی از دغدغه‌های همیشگی دولت تبدیل گردد.

بدین ترتیب، وجود معضلات امنیتی یادشده سبب گردید تا روند توسعه سیاسی در ایران، مستقیماً تحت الشعاع تهدیدات امنیتی قرار گیرد. با توجه به این مهم، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چرا جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی فرآیند گذار به توسعه سیاسی مطلوب را تجربه ننموده است؟ در پاسخ، این فرضیه به سنجش گذاشته می‌شود که غلبه نگرش امنیت‌محور بر فضای سیاسی جامعه ایران، به مثابه واکنشی در جهت اولویت دادن به حفظ و تحکیم امنیت ملی، فرآیند توسعه سیاسی را تعلیق نموده است.

از جمله اهداف و ضرورت‌های این پژوهش، می‌توان به اموری همچون اول آنکه، جستجوی ریشه‌ها و علل شکل‌گیری تحرکات و تهدیدات امنیتی. دوم، تبیین چگونگی تهدید امنیت ملی و تأثیر آن بر روند توسعه سیاسی. سوم، ارائه پیشنهادات برای اتخاذ راهبردها و تدوین سیاست‌های متناسب در جهت

مهار و مقابله با رشد جریان‌ات امنیتی در کشور. چهارم، ارتقای ضریب امنیت ملی و پیش‌گیری از وقوع بحران‌های امنیتی محتمل و کاستن از هزینه و خسارت‌های احتمالی ناشی از عواقب این بحران در سطوح توسعه نیافتگی سیاسی اشاره نمود که این تحقیق تلاش می‌کند به این مهم نائل آید.

۱. مبانی نظری

در این پژوهش، دو مفهوم امنیت و توسعه سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. درخصوص مفهوم امنیت باید گفت که در گذشته، امنیت بیانگر نوعی تضمین فیزیکی برای وجودی عینی نظیر شخص، خانواده، قبیله، سرزمین و حکومت بود. در عین حال، تعریف روشن باری بوزان از امنیت این است که امنیت، متضمن آزادی از تهدیدات است (سولویک، ۲۰۱۰: ۴). به‌طور کلی در مفهوم امنیت دو رکن اساسی قرار دارد: اول، فقدان تهدید و ترس یا اطمینان به‌خود و ادامه حرکت و دوم، آزادی و روشن بودن آینده انسان و جامعه.

امنیت دارای ویژگی‌هایی است از جمله این‌که: ۱. امنیت امری نسبی است ۲. امنیت امری ذهنی است ۳. بین امنیت و قدرت رابطه همیشگی و منطقی وجود دارد (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۶۰). با عنایت به مطالب یادشده، امنیت ملی، مهم‌ترین اصل در ثبات سیاسی و استقلال یک کشور یا یک واحد سیاسی می‌باشد؛ زیرا بقای هر کشور، تمامیت ارضی و ثبات و استمرار حکومت آن، بستگی به امنیت ملی آن کشور دارد. بنابراین، امنیت ملی بیانگر وجود «امنیت» در چارچوب «ملت» است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱). هرچند صاحب‌نظرانی همچون آرنولد ولفرز و باری بوزان، امنیت ملی را نمادی مبهم می‌دانند که فقط می‌توان موارد و مصادیق مشخص آن را تعریف کرد اما تلاش‌هایی برای تعریف امنیت ملی صورت گرفته است که می‌توان به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرد:

الف) حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، بقاء و ادامه سیستم اجتماعی و حاکمیت.

ب) حفظ و ارتقای منابع حیاتی کشور.

ج) فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور. ازسوی دیگر، مسئله مهم‌تر در رابطه با امنیت ملی آن است که مرجع اصلی امنیت دولت می‌باشد و در این رابطه، سه نوع تهدید نیز قابل شناسایی است: ۱. تهدیدهایی که متوجه ایده‌ی دولت هستند. ۲. تهدیدهایی که متوجه وجود فیزیکی و مادی دولت هستند. ۳. تهدیدات متوجه سازمان سیاسی دولت (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۵).

امنیت ملی نیز دارای ابعاد دوجانه است:

۱. امنیت درونی: در گفتمان امنیت منفی، امنیت جنبه سلبی دارد و با نبود عامل دیگری که از آن به تهدید یاد می‌شود، تعریف می‌گردد. این دیدگاه تهدیدمحور است و امنیت داخلی را نبود تهدیدها در عرصه داخلی علیه امنیت ملی کشورها قلمداد می‌کند (زارع‌زاده، ۱۳۹۲: ۷).

۲. امنیت بیرونی: به‌طور سنتی، تهدید خارجی اصلی‌ترین تهدید برای امنیت ملی محسوب می‌شود. از آن‌جا که پایداری فیزیکی کشور و استقلال آن در مقابله با تهدیدات خارجی نسبت به تهدیدهای داخلی آسیب‌پذیرتر است، تهدیدهای خارجی همچنان به عنوان منبع اصلی تهدیدات امنیت ملی، اهمیت خود را حفظ کرده‌اند (مرادیان، جمشیدیان و کرمی، ۱۳۹۰: ۵۰-۴۵-۳۷). بنابراین، مهم‌ترین مسئولیت امنیتی برای دولت‌ها در راستای حفظ امنیت ملی، همواره حفظ مرزها و ممانعت از تجاوز بیگانگان است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۵۳۲). در بسیاری از منابع نیز، امنیت ملی با مصادیقی مانند استقلال، ثبات سیاسی و حفاظت از تمامیت ارضی و منافع ملی در برابر تهدیدات خارجی مرتبط است؛ از اینرو، تعریف امنیت ملی در هر کشور با توجه به منافع و ارزش‌های ملی، ایدئولوژی نظام سیاسی حاکم و نحوه تعامل با دیگر کشورها متفاوت است (جعفری و برجعلیزاده، ۱۴۰۱: ۱۲).

مفهوم دوم به‌کار گرفته شده در این پژوهش، توسعه سیاسی است؛ دانش‌واژه‌ی توسعه سیاسی به دلیل مطالعات فراوانی که از جانب مطالعات میان‌رشته‌ای درباره رشد، نوسازی و توسعه دولت‌های جدید در جهان‌سوم صورت گرفته است، تعریف مشخصی ندارد (معینی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۱) اما به‌طور کلی، توسعه به‌عنوان یک اصطلاح سیاسی در سال ۱۹۶۰ در رابطه با توصیف روند نوسازی سیاسی کشورهای در حال توسعه که به‌تازگی از یوغ استعمار رها شده بودند، وارد ادبیات سیاسی شد. در حال حاضر، توسعه سیاسی به‌عنوان فرآیند تنظیم یک نظام سیاسی در نظر گرفته می‌شود و لازمه شرایط ساختاری توسعه، اموری نظیر ثبات سیاسی و تمرکز بر نظم، آزادی، برابری و فضایل مدنی است (کینگسبوری، ۲۰۰۷: ۱۰-۱۵). به‌طور کلی، سومجی در سال ۱۹۹۲ معتقد بود که توسعه سیاسی در حقیقت رشد و توانایی مردم برای پاسخگویی به اقدام سیاسی حاکمان‌شان است که همواره که با اصول و سازوکارهای دموکراسی مطابقت دارد (ایوانز اولوواگبامیلا، ۲۰۱۹: ۱۳۵).

مهم‌تر این‌که، تحقق توسعه سیاسی به‌شدت وابسته به تشکیل نهادهای قوی و به‌ویژه نهادهای شدن احزاب سیاسی و پی‌گیری سیاست‌هایی جهت ایجاد طبقه متوسط است. همچنین، شکل و محتوای

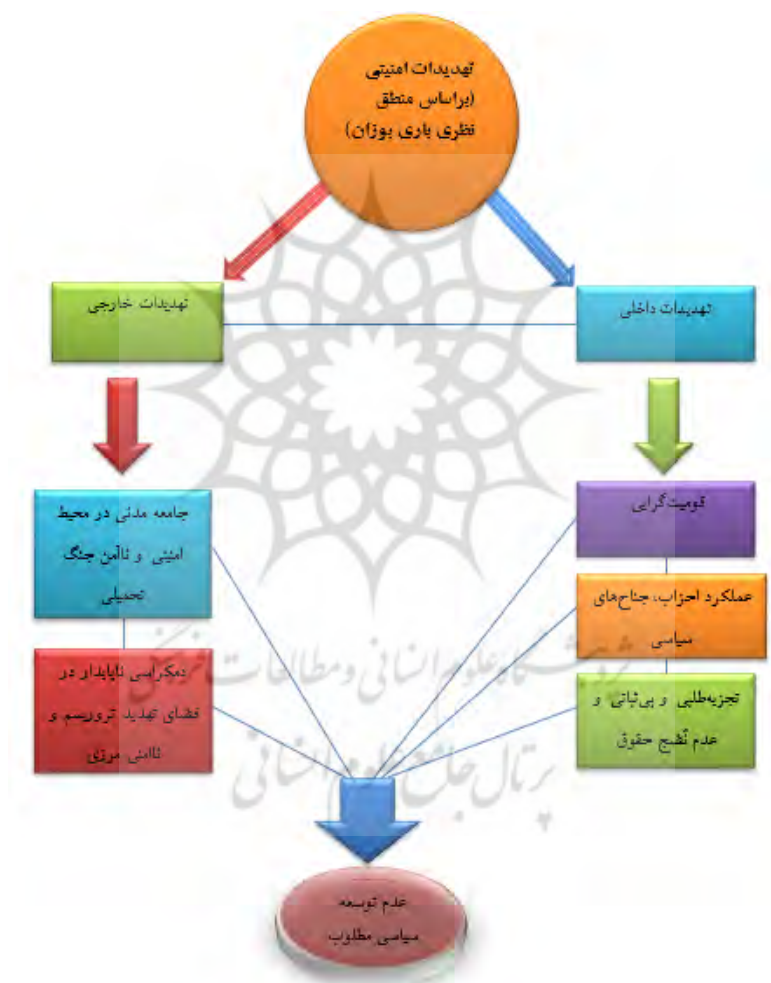
نهادهای سیاسی حکومت مرکزی و نیز آنچه که در جامعه برای گسترش توسعه سیاسی بسیار مهم می باشد با عواملی نظیر رابطه بین بسیج و مشارکت مردمی از یک طرف و رشد سازمانهای سیاسی در سوی دیگر مرتبط است (اسکندر، ۲۰۱۵: ۱۴۳-۱۴۴). در جهان معاصر در یک سیستم سیاسی توسعه- یافته و دموکراتیک، دولت از مردم، توسط مردم و برای مردم شکل می گیرد و شهروندان نسبت به دولت متعهدند و دولت نیز در قبال جامعه مسئول است (فانتین: ۲۰۰۵: ۱۱). همچنین، توسعه سیاسی، مفهومی اساسی است که به تدریج در همه جوامع گسترش یافته و می توان از آن به عنوان یک فرهنگ جهانی یاد کرد (خواجهمهری و ابهجی، ۱۳۹۲: ۱۲).

توسعه یک مشخصه ثابت و منظم تغییر در حال پیشرفت، یعنی رو به ترقی در هر جامعه محاسبه می شود، صرف نظر از آن که تغییر مزبور نسبت به دیگر جوامع از کجا شروع شده است. در این دیدگاه، توسعه یک مفهوم نسبی است و کشورها بر اساس مجموعه ای از معیارهای عمومی که بر پایه آنها ممکن است کشورها در مورد رسیدن یا دستیابی به موقعیت پیشرفته یا توسعه یافته مورد قضاوت قرار گیرند، طبقه بندی نمی شوند بلکه توسعه به مثابه فرایندی تحلیل می شود که دربردارنده ی قدرت ترویج و نهادینه شدن توانایی برای سازگاری، تطبیق و دگرگونی مداومی است که همه ی جوامع باید به طور پیوسته از آن برخوردار باشند؛ زیرا آنها به دنبال محافظت و ارتقا منابع و دستاوردهای شان در یک نظم جهانی اند، نظامی که در آن به نحو روز افزون کشورها به هم وابسته می شوند (معزی و وثوقی، ۱۳۹۷: ۳۴).

از نظر تودارو توسعه به عنوان یک فرآیند چند بعدی قلمداد می شود که نیازمند تغییرات اساسی و تجدید سازمان و جهت گیری در مجموعه نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطوح ملی، بین المللی و در ساختارهای نهادی، اجتماعی و اداری و سیاسی و طرز تلقی و حتی آداب و رسوم و باورهای مردم می باشد؛ به طوری که هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی و ملت ها، جامعه و جهان را از حالت نامطلوب زندگی گذشته، خارج و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است متمایل می کند. او سه معیار اساسی در سه بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی- اجتماعی برای توسعه مطرح نموده که به ترتیب عبارتند از عزت نفس یا اعتماد به نفس، تامین معیشت زندگی و آزادی یا گسترش دامنه انتخاب می باشد (همان: ۳۳).

نتیجه آنکه از مهم ترین عواملی که همواره امنیت یک کشور را مورد تهدید قرار می دهد، وجود نابرابریهای فضایی بین مناطق مختلف جغرافیایی آن کشور است؛ آنچنان که این نابرابری ها به خصوص بین مناطق مرکزی

و پیرامونی می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر کند و نارضایتی ناحیه‌ای را سبب گردد. از طرف دیگر، توسعه و حرکت به‌سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و امنیت ملی نیز، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه سیاسی در گستره ملی را فراهم می‌سازد. از این رو، ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا در قوانین مختلف جمهوری اسلامی، اصل برابری و ارتباط میان توسعه متوازن و امنیت ملی مورد توجه قرار گرفته است (امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸).



مدل شماره ۱. مدل و الگوی تحقیق بر اساس نظریه امنیت ملی باری بوزان (منبع: نگارندگان)

۲. روش‌شناسی تحقیق

از آنجا که روش را نوع مواجهه‌ی با موضوع، جهت رسیدن به واقعیت و شناخت آن می‌دانند و نیز با عنایت به این مطلب که موضوع پژوهش حاضر امنیت ملی و مسئله‌ی توسعه سیاسی در ایران، می‌باشد از روش تبیین علی^۱، بهره گرفته شده است؛ چراکه می‌خواهیم علت تعویق توسعه سیاسی به واسطه مقوله امنیت ملی را علت‌یابی نماییم. لازم به ذکر است که تبیین علی به معنای تشخیص علت است؛ منظور از مکانیسم علی، این است که هر پدیده‌ای در عالم، معلول علت یا علل معینی است؛ الگوی تعلیل، چنان است که رشته‌ای ضروری یا محتمل از علل را به دست می‌دهد. بر این اساس، وقتی شرایط ضرورت بخش یا احتمال بخش مقدم بر حادثه را معین کنیم، آن را تبیین کرده‌ایم (منوچهری، ۱۳۸۷: ۴۰-۴۲).

بر همین اساس در پژوهش حاضر، روند توسعه سیاسی از منظر چهار مفهوم اساسی مورد تحلیل و پردازش نظری قرار گرفته است: ۱. جامعه مدنی: به عنوان حوزه‌ای از روابط اجتماعی فارغ از دخالت مستقیم دولت و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی (بشیری، ۱۳۸۲: ۵۶۷). ۲. حزب: به عنوان اصلی‌ترین قانون تجمع خواسته‌ها و علائق گوناگون شهروندان که به واسطه حضور آن‌ها، زمینه‌های ساختاری و عینی لازم برای تأثیرگذاری متقابل نیروهای سیاسی و اجتماعی بر یکدیگر و بر ساختارهای سیاسی فراهم می‌شود (نظری، ۱۳۹۴: ۱). ۳. دموکراسی: به عنوان شکلی از حکومت که مطابق با اصول حاکمیت مردم، برابری سیاسی، مشورت با همه مردم و حکومت اکثریت، سامان یافته است (اوستین، ۱۳۷۴: ۱۳۸). ۴. حقوق شهروندی: شامل احساس عدالت و برابری در جامعه، فضای مناسب اخلاق عمومی در جامعه و رضایت از عملکرد مسئولان (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۳-۱. تجربه توسعه سیاسی در دوران جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران، طی چهاردهه اخیر در برنامه‌ریزی توسعه‌ای، بیشتر برنامه‌های توسعه در حوزه‌های گوناگون در هنگام اجرا با توجه به سلايق سیاسی دولتمردان باز تعریف شده و یا حتی به فراموشی سپرده شدند و اساساً برنامه محوری در میان مدیران، امری غریب و دور از انتظار به نظر می‌رسید. مهم‌تر از این برنامه‌ها، رویکرد دولت به مسائل توسعه‌ای کشور است؛ به نحوی که در دوره برنامه

1.Explanation

اول، توسعه سیاسی تحت تأثیر طرح‌های تعدیل ساختاری دولت هاشمی رفسنجانی بود (هاشمی- چهارسوقه، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۳).

در دوره ریاست جمهوری خاتمی با تداوم همان جهت‌گیری‌ها در برنامه توسعه، اصلاحات سیاسی به عنوان شعار اصلی دولت انتخاب گردید و مسائل اقتصادی به حاشیه رفت اما در دولت احمدی‌نژاد، برنامه‌های پیشین طرد شدند و طرح هدفمندی یارانه‌ها جایگزین شد و طرح‌های توسعه سیاسی به کناری نهاده شدند. در دولت روحانی نیز به رغم خوشبینی مسئولان در جهت تنش‌زدایی با غرب و بهره‌گیری از ثمرات توافق هسته‌ای در جهت ایجاد فرصت‌های مطلوب در راستای گشایش سیاسی و بهبود وضعیت توسعه سیاسی در عمل نوعی رکود نسبت به تحقق شاخص‌های توسعه سیاسی در جامعه مشاهده گردید (همان: ۴۴).

تجربه چهار دهه گذشته نشان داده که مسئله مهم آن است که فرآیند توسعه سیاسی در ایران با تهدیدات و منازعات امنیت محور عدیده‌ای همراه گردیده است؛ به علاوه این‌که، گسترش نگرش امنیت-محور در داخل کشور و نیز قرار گرفتن ایران در یک محیط مجموعه امنیتی منطقه‌ای، سبب گردیده است تا برنامه‌های توسعه سیاسی در برخورد با این گفتمان امنیتی به عنوان جو غالب در جامعه سیاسی ایران، فرصت‌هایی را که الزاماً می‌بایستی برای تعاملات سیاسی استفاده شود و به تبع آن، بستر تحقق توسعه-سیاسی را هموار نمایند، کم‌رنگ سازند و روند توسعه سیاسی را از مسیر اصلی منحرف نمایند؛ امری که در ادامه، بیشتر به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

۲-۳. محیط امنیتی ایران؛ چالش اصلی توسعه سیاسی

محیط امنیتی ایران به‌طور عمده، تحت تأثیر موقعیت جغرافیای سیاسی و برخی متغیرهای داخلی، آسیب‌پذیری بالایی را نشان می‌دهد؛ امری که به دنبال خود، روند توسعه سیاسی جامعه ایرانی را در ابعاد ملی مختل نموده است. به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال-جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر اصلی ارتباطی قاره‌های اروپا، آسیا و اقیانوسیه و به ویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی، قرار دارد. بنابراین، ایران همواره در معرض تعاملات و مناسبات استراتژیکی قرار دارد که به‌طریق مختلف با موقعیت ارتباطی ایران پیوند یافته‌اند (نقشه ۱) (شاه قلعه و عیسی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۸).



نقشه ۱- مرزهای جغرافیای سیاسی ایران

Source: <http://www.infoplease.com/atlas/country/iran.html>

محیط جغرافیای سیاسی ایران در طول چهار دهه گذشته، دچار تغییر و تحولاتی اساسی شده است که علت آن را می‌توان در طیف مختلفی از تهدیدات امنیتی در بُعد خارجی جستجو کرد (خوجم‌لی، ۱۳۹۲: ۷۱). به‌ویژه آن‌که، همسایگان ایران در منطقه پُراشوب آسیای جنوب غربی به‌طور عمده و با شدت و ضعف‌های مختلف با طیفی از مشکلات مربوط به بحران مشروعیت، آینده مبهم نظام‌سیاسی، نبود نهادینگی و گردش قدرت و مجموعه‌ای از بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی مواجه هستند (سریع-القلم، ۱۳۷۷: ۳۹)؛ امری که در پی خود به تعمیق نگرش امنیت‌محور، نسبت به‌مقوله توسعه‌سیاسی در فضای سیاسی داخلی ایران دامن زده است.

۳-۳. نگرش امنیت‌محور به توسعه‌سیاسی در ایران

امنیت فردی و امنیت اجتماعی از ابعاد مهم توسعه‌سیاسی هستند؛ جنگ، منازعات، تخریب فیزیکی، تحریم‌های بین‌المللی، هزینه‌های نظامی و تحولاتی از این قبیل، عمدتاً به‌طور مستقیم منجر به تغییرات نامطلوب در وضعیت حقوق فردی، اجتماعی و حتی اقتصادی می‌شوند (استیوارت، ۲۰۰۴: ۴-۳). تهدید برای امنیت ملی و تنش‌های اجتماعی و سیاسی به افزایش خشونت و کاهش کیفیت زندگی شهروندان

1. Stewart, 2004

یک دولت منجر می‌گردد و این مسئله خود کاهش مطلوبیت الگوی توسعه را به دنبال دارد (ای گانیس، ۲۰۰۶: ۳۳۸-۳۳۹). بدین ترتیب، ثبات و محیط صلح‌آمیز داخلی، نقشی اساسی در پیشبرد اهداف توسعه-سیاسی دارند و شاخص‌های اساسی آن را امکان‌پذیر می‌سازند (کلینگبل، ۲۰۰۶: ۱-۳). با توجه به این که یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در مناطق مرزی ایران پیش‌روی مسئولان قرار دارد، چالش امنیت سرزمینی است لذا مسئله حفظ و گسترش امنیت، همواره مورد توجه و حساسیت مسئولان سیاسی کشور بوده است؛ امری که بیشترین وقت و توان ساختار سیاسی تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران را جهت اتخاذ تدابیر گوناگون برای رفع تهدیدات به‌خود اختصاص داده است (احمدی و دادجو، ۱۳۹۱: ۶۰).

با توجه به مطالب یادشده، نظام جمهوری اسلامی ایران با یک‌سری طرز تلقی‌ها و بحران‌های امنیتی متعدد در فضای داخلی جامعه و نیز فراسوی مرزهای جغرافیایی و سرزمینی خود مواجه بوده است که به شکل‌گیری یک ذهنیت و نگرش امنیت‌محور در فضای سیاسی و اجتماعی کشور منجر شد (ساعی و خضری، ۱۳۹۱: ۵۸-۵۵). از سوی دیگر در عالم واقع نیز بعضی از مهم‌ترین تهدیدات امنیتی داخلی نیز به‌تشدید و نگرش امنیت‌محور مدد رسانده است.

الف) تهدیدات داخلی

۱- قومیت‌گرایی

در ایران شاهد اقوامی که عمدتاً ریشه تاریخی دارند، هستیم؛ قومیت‌هایی نظیر کرد، لر، ترک، بلوچ و غیره که در طول اعصار تاریخ، به‌شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و بر اساس زیست‌بوم ایرانی در کنار یکدیگر در یک بافتار اجتماعی قرار داشته‌اند؛ به‌نحوی که، روش زیست آن‌ها بر اساس تحرک و جابه‌جایی فیزیکی بر پایه اصول و نظم مبتنی بر اقلیم جغرافیایی کشور ایران صورت یافته است. بدیهی است که برهم خوردن چرخه و نظمی که در طول اعصار متعدد تاریخی در درون اقوام ایرانی شکل گرفته است، نوعی از عدم تعادل را به‌دنبال خواهد داشت که موجب قطع زنجیره اقوام، از بین رفتن اصالت و هویت تاریخی‌شان، القای احساسات از خودبیگانگی و نیز نوعی از استقلال منفی و کاذب در آن‌ها خواهد شد؛ چراکه ایلات و عشایر در طول تاریخ ایران، همواره نیروهایی اثرگذار بوده‌اند.

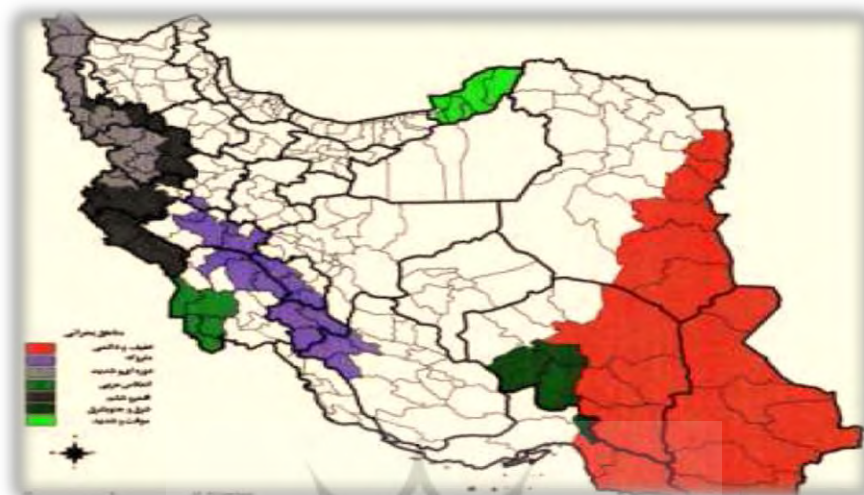
به همین جهت نحوه پراکندگی فضایی، جغرافیایی و جمعیتی در شهرها، می تواند بر یکپارچگی ملی تأثیر به سزایی، داشته باشد. برای مثال، وجود شبکه های ارتباطی، افزایش تعاملات و همپوندی اجتماعی، تسهیل ارتباطات و ارتقای سیستم حرکتی و جابه جایی از طریق فراهم آوردن فرصت ارائه گونه های مختلف از کانال های ارتباطی نظیر راه ها، توجه به پراکندگی و محل زندگی افراد و نیز امکان دسترسی آنها به یکدیگر بسیار قابل اهمیت است؛ چراکه فضای شهری به مثابه وجود یک فضای گفتمانی، ناظر بر مفهوم حوزه عمومی به عنوان عرصه تفکر، گفت و گو و استدلال با مشارکت و فعالیت آزاد مردم است.

از اینرو، پراکندگی صفحه شطرنج فرهنگی اقوام ایرانی از پدیده هایی هستند که در تاریخ معاصر کشورمان همواره مطرح بوده اند. تحركات بیشتر اقوام مرزنشین و به دور از مرکز به عنوان تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی تلقی شده اند (افتخاری، ۱۳۷۸: ۸۳) (نقشه ۲). به علاوه این که، تهدید تعدد و تنوع قومیت ها و خودمختاری طلبی گروه های تجزیه طلب که عمدتاً از جانب برخی کشورهای همسایه حمایت شده اند در پاره ای اوقات، چالش هایی را در قالب تهدید برای حکومت مرکزی ایجاد نموده اند (مایل - افشار، ۱۳۹۱: ۸). این مسئله، برگسترش دامنه نگرش امنیت محور در فضای سیاسی کشور افزوده و در این راستا نیز هزینه های فراوانی را بر جامعه و دولت ایران تحمیل نموده است (نقشه ۳).



نقشه ۲- جغرافیای فرهنگی اقوام ایرانی

Source: <http://www.infoplease.com>



نقشه ۳- نمای جغرافیای مناطق مرزی ناآمن و بحران خیز ایران منبع: (ایزدی، ۱۱۱: ۱۳۹۲)

در مجموع، بایستی اذعان نمود که حافظه تاریخی ملت ایران نسبت به یکپارچگی و امنیت ملی حساسیت بالایی دارد به گونه‌ای که همه جریان‌های سیاسی آن، جدای از جهت‌گیری ایدئولوژیک‌شان بر همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی تأکید جدی دارند (حیدری موصلو و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۶۳). بر همین اساس، امنیت ملی در ایران تحت تأثیر تهدیدات یاد شده قرار گرفته است و به تبع این دیدگاه، کُند شدن روند تحقق توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی را نیز می‌توان تحت الشعاع همین نگرش امنیت‌محور و نیز مجموعه تهدیدات امنیتی دانست که در نهایت به ایجاد نوعی فضای بی‌اعتمادی نسبت به تأثیرگذاری در فرآیند توسعه سیاسی در کشور منجر شده است.

۲- عملکرد احزاب، جناح‌های سیاسی و تشدید فضای امنیتی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام استبدادی فرو ریخت و عصر جدیدی با رویکرد متفاوت آغاز شد؛ به عبارتی، گذار از یک نظام اقتدارگرا به یک نظام مردم‌سالار دینی اتفاق افتاد (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ۵۶). در این دوران، احزاب و جناح‌های مختلفی ایجاد شدند و به تدریج، بستر حضور آن‌ها در عرصه سیاست فراهم گردید؛ امری که در پی خود به اختلاف سلیق و حتی درگیری‌های حزبی و تشکیلاتی در سلسله مراتب نهادهای سیاسی قدرت نیز منجر گردید (بنوعیزی، ۱۹۹۹: ۶). از جمله‌ی

این موارد، می‌توان به سازمان مجاهدین خلق اشاره نمود؛ این سازمان ابتدا با هدف براندازی حکومت پهلوی دوم تشکیل شد و در طول فعالیت خود قبل از انقلاب اسلامی، ضمن فعالیت سیاسی، اقداماتی نظیر حملات تروریستی علیه حکومت پهلوی دوم انجام داد (نوبخت و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۱۹).

در گام بعدی، رهبری این سازمان، راهبرد همکاری نظامی با رژیم بعث عراق و نیز دولت ایالات-متحده آمریکا را با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت و در خرداد ۱۳۶۰ با صدور اطلاعیه‌ای، رسماً وارد جنگ مسلحانه علیه نظام شد. همچنین در امتداد سازمان مجاهدین، می‌توان به گروه فرقان اشاره نمود که افراطی‌ترین گروه چپ‌گرای متأثر از مارکسیسم بود که به‌التقاط روی آورده بود. این گروه، نخستین تروهای سیاسی را در جمهوری اسلامی سازمان داد و به‌تشدید جو امنیتی کشور دامن زد (کرانه، ۲۰۰۸: ۲۸-۲۶).

مسائل یادشده، حکومت مرکزی را به کنترل بیشتر فضای سیاسی و تمرکزگرایی بیشتر ترغیب نمود؛ روابط دولت با نهادها و احزاب سیاسی را به‌سردی کشانید و فضای بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به-تشکلات حزبی را چه در جامعه و چه در حاکمیت افزایش داد. از این‌رو، به‌دلیل تشکیل فضای امنیتی جدید و نیز افزایش تنازعات میان احزاب و در دهه ۱۳۶۰، تحزب به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی کشور قلمداد شد و به‌همین جهت، برخی از احزاب حذف شده و نهایتاً رکود فعالیت آن‌ها را در این دوره به وقوع پیوست (اکبری، ۱۳۸۸: ۵۸).

از سویی دیگر در دهه ۱۳۷۰ جریات اصلاح‌طلبی در ایران رقم زده شد؛ امری که می‌توانست افق روشنی را در حوزه توسعه سیاسی نوید دهد اما این رُخداد نیز به‌دلیل فقدان سازوکارهای قانونی و بسترهای فرهنگی دموکراتیک از یک‌سو و طرح شعارهای پُرهیاهو از جمله عبور از نظام اسلامی با بن بست و ناکامی مواجه گردید. طرح چنین مسائلی، میان توده مردم و گروه‌های روشنفکر و طبقه متوسط حامی جنبش اصلاح‌طلبی نوعی شکاف ایجاد کرد. شکاف و بی‌اعتمادی پدید آمده، مسیر فعالیت احزاب در توسعه سیاسی ایران را ناهموارتر نمود و در این دوره، احزاب نتوانستند اعتماد عمومی را به خود جلب کنند (عباسی سرمدی و راهبر، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

مجموع حوادث یادشده به‌تشدید بی‌اعتمادی نسبت به‌فعالیت احزاب منجر گردید؛ چراکه عدم اعتماد به‌نفس کافی مردم و فرصت‌سوزی در جامعه و نیز عدم تمایل برای داشتن یک برنامه بلندمدت

جهت برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف سیاسی در تقابل با حوادث یاد شده، نماد یک تناقض بنیادین در عملکرد احزاب سیاسی در ایران بود (آسایش و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۰)؛ به این معنی که احزاب سیاسی به دلیل عملکرد ناموفق و تشدید حس بدبینی، نه تنها کارویژه اصلی خود را از دست داد بلکه به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی کشور نیز تقلیل جایگاه یافت (آسایش، ۲۰۱۱: ۲۲۱).

۳- تجزیه‌طلبی و بی‌ثباتی و عدم نضج حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق است که مردم با توجه به موقعیت شهروندی خود از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند و به‌طور کلی به مجموعه‌ای از امتیازات برای حفظ موقعیت شهروندان از طریق مجموعه‌ای از قوانین حاکم بر جامعه اشاره دارد (شهنوازی و جلیلیان، ۲۰۱۵: ۱۱۱). در همین زمینه، مهم‌ترین حقوق شهروندان عبارت است از حقوق سیاسی که شامل امکان مشارکت مردم در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات است (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰: ۹۹).

در رابطه با تحقق یا عدم تحقق آرامش و حقوق شهروندی در ایران، بایستی تأکید نمود که نوسازی ناقصی که قبل از انقلاب اسلامی اتفاق افتاده بود، پتانسیل‌های نامحدودی را برای بروز کشمکش‌های مختلف از جانب گروه‌های اجتماعی ایجاد کرد که به صورت‌های گوناگون نظیر نهضت‌های قومی، درگیری‌های سیاسی و حتی خشونت‌های سیاسی تجلی پیدا نمود (زیباکلام، افشاری و اصلانزاده، ۱۳۸۹: ۲). تجزیه‌طلبی گروه‌های معارض در داخل کشور، یکی از مهم‌ترین مصداق‌های بارز این نوسازی ناقص است که تهدیداتی جدی را برای امنیت ملی کشور رقم زد. به عنوان مثال، یکی از آشوب‌های منطقه‌ای که به منظور تجزیه بخشی از ایران طراحی شد، غائله کردستان بود. حزب دموکرات کردستان، مهم‌ترین جریان سیاسی و به فاصله‌ای اندک، حزب کومله نیز اعلام موجودیت کرد (مهاجری، ۱۳۶۱: ۲۲۱).

از سوی دیگر، ایالات متحده آمریکا و نیز رژیم بعث عراق با ارسال پول و اسلحه به گروه‌های تجزیه‌طلب داخلی به تشدید خشونت در محیط امنیتی داخلی ایران دامن زدند (همان: ۲۲۱). از جمله این توطئه‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست آمریکا و انگلیس بود که به بازآفرینی جریان خلق عرب روی آوردند تا از ناسیونالیسم قومی به‌ویژه سیاست پان‌عریسم برای به‌چالش کشاندن انقلاب ایران استفاده کنند. به همین علت بود که جنبش دموکراتیک خلق عرب در منطقه خوزستان با

1. Asayesh and Others, 2010
2. Asayesh, 2011
3. Shahnavaizi and Jalalian, 2015

شعار آزادسازی خلق عرب ایران فعال شد و نیز به دنبال آن، رژیم بعث عراق که در تدارک حمله به ایران بود از این فرصت استفاده کرد (احمدی و دادجو، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۳). مجموعه عوامل یادشده سبب گردید تا آرامش شهروندی در ایران مختل شود و نیز حقوق و مطالبات قانونی شهروندان را در ابعاد مختلف با یک نگاه امنیتی مواجه سازد و طبیعتاً، فرصتی نیز برای تدوین یک منشور اساسی جهت توجه بیشتر به حقوق شهروندان پدید نیاید (توسلی و نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۳: ۵۷). در ادامه نیز عوامل و تهدیدات خارجی که روند توسعه سیاسی در کشور را با کندی مواجه ساخته‌اند، تحلیل می‌شود.

ب) تهدیدات خارجی

۱- جامعه مدنی در محیط امنیتی ناآمن جنگ تحمیلی

در خصوص جامعه مدنی بایستی گفت که مجموعه‌ای از افرادی است که با اختیار خود و مستقل از دولت، گروه‌ها و انجمن‌هایی را در عرصه عمومی، تشکیل می‌دهند و هدف از تأسیس این کانون‌ها، در حقیقت، پیشبرد منافع، علایق و سلايق اعضای آن می‌باشد. جامعه مدنی، همواره دارای شاخص‌های مهمی می‌باشد که عبارت هستند از: الف) قانون‌گرایی و نهادینه شدن قانون؛ در جامعه مدنی بر اساس محاسبات توافق‌شده، قوانین مدون، وضع شده‌اند و ضوابط و نه روابط، حاکم خواهد بود. ب) اقتصاد آزاد و مالکیت خصوصی؛ از آن‌جا که اقتصاد آزاد، شالوده همه آزادی‌ها می‌باشد، بدون وجود چنین استقلال، سایر آزادی‌های مفروض در جامعه مدنی، از قبیل عقیده، بیان و غیره میسر نمی‌شود. پ) مدرنیسم؛ قانون، فردگرایی، سکولاریسم و عقلانیت ابزاری، مبانی مدرنیسم جامعه مدنی به‌شمار می‌روند. ت) پلورالیسم اخلاقی و سیاسی؛ جامعه مدنی معاصر، بر کثرت‌گرایی ارزشی و اخلاقی مبتنی است، چرا که لازمه به رسمیت شناختن همه گروه‌ها و اجتماعات با هر مرام و مسلکی، کثرت‌گرایی و تساهل اخلاقی می‌باشد. ث) انسان مدنی؛ جامعه مدنی متکی بر انسان مدنی است و افراد باید دارای ویژگی مدنیت باشند (واعظی، ۱۳۷۸: ۵۷-۶۶-۹).

امروزه جهت تقویت جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی سازمان‌یافته، بسیار حائز اهمیت هستند؛ زیرا آن‌ها در حال تبدیل شدن به بازیگران اجتماعی می‌باشند و جایگزین سازمان‌هایی می‌شوند که جامعه را به‌طور سنتی مدیریت می‌کنند مانند احزاب سیاسی یا اتحادیه‌های کارگری و نیز فعالیت دولت را تحت الشعاع قرار می‌دهند تا از دخالت در حقوق و زندگی افراد ممانعت به‌عمل بیاید (آرتس و

کاواتورتا^۱، ۲۰۱۳: ۱۴). بنابراین، یک سازمان غیردولتی مردم نهاد یا گروه غیرانتفاعی، به عنوان بخشی از جامعه مدنی، محسوب می‌شوند که اصولاً مستقل از دولت، سازمان یافته‌اند. این سازمان‌ها، وظیفه‌محور و متشکل از افرادی هستند که دارای یک علاقه مشترک می‌باشند، خدمات مختلف و عملکردهای بشردوستانه را انجام می‌دهند و مشارکت ذی‌نفعان جامعه مدنی را در سطح اجتماع، تشویق می‌کنند (پورنیک، ۲۰۱۳: ۲).

در حقیقت، جامعه مدنی شکلی از تعامل بین دولت و یک جامعه در راستای درک اقدامات و سیاست‌های دولت است اما از آنجا که تمرکز اصلی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت بر بهبود شرایط گروه‌های اجتماعی و نیز توجه به خواسته‌های آنها است؛ بنابراین، کانال اصلی برای انعکاس تقاضاهای اجتماعی، جامعه مدنی است (غفاری و عزیزی‌مهر^۲، ۲۰۱۵: ۶۶-۶۵). این در حالی است که در کشورهای دموکراتیک، دولت فقط به ارائه‌ی کمک‌های مالی به نهادهای مدنی مبادرت می‌ورزد تا از مسیر تحقق اهداف دولت و جامعه خارج نشوند (کرونا^۳، ۲۰۰۹: ۱۳). همچنین فعالیت‌های جامعه مدنی منجر به تغییرات دموکراتیک می‌شود و بیشتر تمایل به سمت مهندسی اصلاحات سیاسی داخلی دارد (فلسفی^۴، ۲۰۱۰: ۴۳۴).

در رابطه با عدم تشکیل یک جامعه مدنی پویا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل مختلفی را می‌توان دخیل دانست که از جمله مهم‌ترین آنها، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ است. در طول این جنگ، بخش قابل توجهی از منابع مادی و سرمایه‌های انسانی ایران به تحلیل رفت و بقای کشور، حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران به مهم‌ترین مسأله تبدیل شد (اسکوایر^۵، ۲۰۰۶: ۲۰-۱۷). به همین جهت، به دلیل پرداختن به ویرانه‌های جنگ تحمیلی، دولت سازندگی چندان فرصت و توجهی به نشر و گسترش نهادهای مدنی نداشت (قادری و عالی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۲). پس از جنگ، طرح جامعه مدنی در ایران معاصر از سوی دولت اصلاحات در خرداد ۱۳۷۶، بیانگر سرآغاز جدیدی در تاریخ انقلاب بود؛ ابزار لازم برای نیل به این منظور، شکل‌گیری و فعالیت

1. Aarts and Cavatorta, 2013
2. Pournik, 2013
3. Ghaffary and Azizimehr, 2015
4. Coronato, 2009
5. Falsafi, 2010
6. Squire, 2006

نهادهای مدنی از قبیل احزاب، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها بود اما طرح این ایده نیز به دلایلی از جمله فقدان برنامه عمل از سوی اصلاح‌طلبان و گرایش جریانانی از آنان به براندازی با بن‌بست سیاسی مواجه گردید و به‌کناری نهاده شد (مسعودنیا، ۱۳۸۴: ۱۳۶). از این رو، جامعه مدنی که نوعی پیگیری منطقی نسبت به منافع مشترک در یک سازمان جمعی است به‌علت محدودیت نهادهای دولتی در کشور نتوانست تکامل پیدا کند (جان سینا، ۲۰۱۴: ۴-۳).

۲- دموکراسی ناپایدار در فضای تهدید تروریسم و ناامنی مرزی

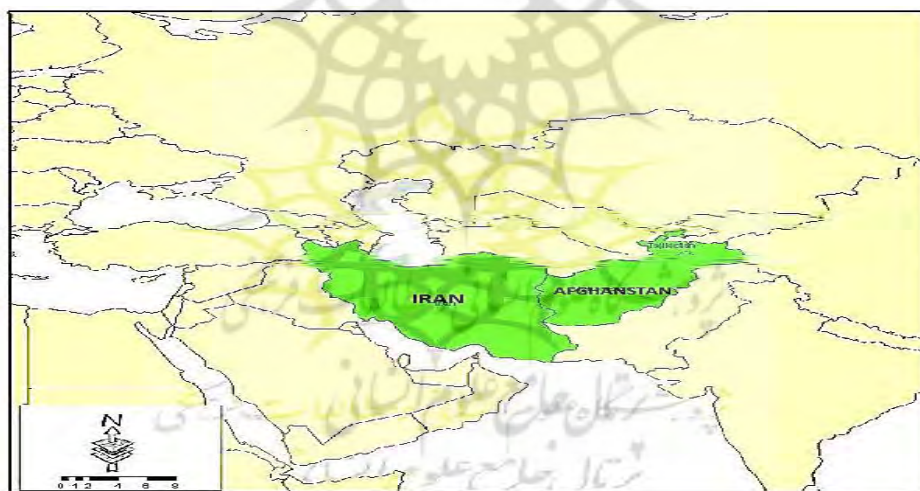
یکی از معیارهای سنجش اعتبار سیاسی هر کشور در دنیا، برخورداری آن کشور از زیرساخت‌های مناسب امنیتی است. اهداف امنیتی در یک کشور دموکراتیک، حفظ مشروعیت سیاسی از طریق وارد کردن توده‌ها به فرآیند سیاست‌گذاری‌ها است. تحقق چنین امری نتایج قابل توجهی را دربر خواهد داشت از جمله: نخست، شهروندان به ایمن بودن حقوق خود اطمینان پیدا می‌کنند. دوم، جامعه از وضع موجود به‌سوی تحقق وضع مطلوب حرکت خواهد کرد. سوم، زمینه آرامش جامعه و کارآیی بهترین اندیشه فراهم می‌گردد. چهارم، ثبات دموکراسی در جامعه تضمین خواهد شد (عسگری فامنین، ۱۳۷۹: ۱). به‌رغم موارد یاد شده، تهدیدات امنیتی متعددی در مرزهای ایران با همسایگان بی‌ثبات به وقوع پیوسته است که این امر سبب گردیده تا گسترش توسعه سیاسی در جامعه ایران با مشکل مواجه شود.

به‌عنوان مثال، وجود ناامنی داخلی در افغانستان و تداوم آن، تأثیر بسزایی بر امنیت ملی کشور دارد و نیز زمینه‌ساز به‌وجود آمدن بحران امنیتی شده و امنیت داخلی را شکننده می‌سازد. در همین راستا از سال ۱۳۷۴ تاکنون (به‌خصوص در دوران حکومت طالبان در افغانستان) در مرزهای شرقی ایران پدیده ناامنی اجتماعی به اشکال مختلف قتل، آدم‌ربایی و باج‌گیری به‌وقوع پیوسته است و اشرار مسلح در بیش از ۷۰ درصد از مساحت خراسان بزرگ و بخش‌های وسیعی از استان سیستان و بلوچستان، امنیت و آرامش را از مردم سلب کردند تاجایی که تنها در استان خراسان، حدود ۳۵۰۰ نفر از مردم به گروگان گرفته شدند و ۲۲۰ نفر به قتل رسیدند و بیش از ۷۶۲۵ مورد تردد گروهی اشرار مسلح در این مناطق از جانب مراجع رسمی گزارش شده است. این ناامنی اجتماعی در شهرستان‌های مرزی و هم‌جوار با کشور افغانستان، دامنه وسیع‌تری پیدا نمود و در استان خراسان، شهرستان‌های خواف، رشتخوار، گناباد،

1. Jane Siena, 2014

کاشمر، تایباد، تربت جام، سرخس، قائم و بیرجند بیشتر در معرض این پدیده قرار گرفتند (شرفی، عباس‌زاده و ایزدی، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

بعلاوه اینکه، حمله نظامی آمریکا به افغانستان پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و نیز تداوم حضور گسترده این کشور در این منطقه (نقشه ۴)، محیط امنیتی ایران را با شرایط تهدیدزای نوینی مواجه ساخت که تنش‌سازی میان فرق مختلف مذهبی، گسترش ایران‌هراسی و بهره‌برداری ابزاری از سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای، برخی از بارزترین مصادیق آن هستند (احمدی‌پور، حیدری و میرجلالی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۱). نگرانی ایران از حضور نیروهای غربی به خصوص آمریکا در جوار مرز خود موجب آسیب‌پذیری امنیت ایران از جانب کشور افغانستان شده است. همچنین، ایران از یک سو در قسمت غرب و شمال غرب با محور اسرائیل، ترکیه و آذربایجان روبه‌رو است و در شرق کشور به خصوص بعد از تجربه‌ی حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان که می‌توان گفت نفوذ واشنگتن در شرق کشور هم رشد فزاینده‌ای یافته است؛ گفته می‌شود آمریکا و غرب، برنامه بلند مدتی برای منطقه در قالب طرح جدید آمریکا موسوم به خاورمیانه بزرگ طراحی کرده‌اند (توحیدفام و پایدار، ۱۳۹۱: ۸۶).



نقشه ۴- افغانستان ناآمن در همجواری با ایران منبع: (رومینا، ۲۰۱۵: ۶۱)

از سویی دیگر، معضل تروریسم و مواد مخدر که در واقع، تقویت‌کننده یکدیگرند، صلح و امنیت ایران را به‌مخاطره می‌کشد و حتی این مسئله، امروزه به یک چالش فرامنطقه‌ای برای کشور تبدیل شده

است. ورود مواد مخدر از مرزهای شرقی و جنوب شرقی به داخل جمهوری اسلامی ایران (نقشه ۵) در ردیف مهم‌ترین منابع ناآمنی و بحران در این منطقه از کشور می‌باشد. از نگاه برخی از مسئولان کشور، مکانیزم ورود، توزیع و حمل و نقل مواد مخدر، بخشی از توطئه قدرت‌های بیگانه علیه ایران است و هدف نهایی آن، ایجاد اختلال در امنیت ملی ایران و گسترش فساد بین شهروندان به‌ویژه جوانان است. همچنین این مسئله هزینه هنگفتی را برای مقابله با این معضل امنیتی بر کشور تحمیل کرده است (احمدی‌پور، حیدری و میرجلالی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴).



نقشه ۵- مسیر عبور مواد مخدر از طریق مرزهای طولانی افغانستان با ایران

منبع: (عبادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۰)

یکی دیگر از تهدیدات امنیتی برای ایران که از همسایگان بی‌ثبات نشأت می‌گیرد، مسئله حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و تداوم حضورش در همسایگی ایران است که امنیت ملی ایران را از زوایای مختلف تحت تأثیر خود قرار داده و بی‌ثباتی و ناآمنی در اطراف مرزهای جغرافیای سیاسی ایران را رقم زده است (نقشه ۶). در چنین شرایطی، زمینه‌های بروز درگیری‌های قومی-مذهبی، گسترش فعالیت‌های تروریستی، آشوب‌های منطقه‌ای و خطرات ناشی از هدایت و تسری آن‌ها از جانب کشور عراق به درون مرزهای ایران محتمل است (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۰). مهم‌تر آن‌که، قرار دادن

نام ایران در کنار کشورهای عراق و کره شمالی تحت نام محور شرارت و تلقی کردن آن‌ها به عنوان دشمنان آمریکا و نیز تشدید تحریم‌ها و فشارها علیه ایران در جریان پرونده هسته‌ای، ژئوپلیتیک تهدید جدیدی را در ادبیات سیاسی ترسیم کرده است؛ ژئوپلیتیک که بر مبنای حذف رژیم بعث عراق و منزوی کردن هرچه بیشتر ایران تعریف شد (قالیباغ و پورموسوی، ۱۳۸۷: ۶۱).



نقشه ۶- موقعیت همسایگی مرزهای ایران و عراق منبع: (آسیامپ: ۲۰۱۵)

بدین ترتیب، طراحی پروژه‌ی انزوای سیاسی ایران به همراه احساس تهدید از ناحیه همسایگان شرقی و غربی، باعث عدم نصح یک الگوی دموکراسی پایدار و منطقی گردید؛ چراکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فشار خارجی از جانب متحدان، تشویق آن‌ها را به انجام برنامه‌های توسعه سیاسی به عنوان بخشی از اصلاحات اساسی نهادی و رشد دموکراسی را به همراه دارد؛ مسئله‌ای که در رابطه با ایران هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده است (ازکیا و هاگلند، ۲۰۱۱: ۲۲۳).

به‌طور کلی تهدیدات امنیتی از جانب همسایگان، بخش زیادی از انرژی و وقت دولت را مصروف خود ساخته است؛ امری که به نوبه خود پویایی لازم و بسترسازی برای مکانیزم و زیرساخت‌های دموکراسی را تحت تأثیر قرار داده و نیز فرهنگ ترس را به صورت غیر منتظره نسبت به تعامل نهادهای دموکراتیک اشاعه داده است (آرتس و کاواتورتا، ۲۰۱۳: ۱۲-۱۱). شکل‌گیری چنین فضایی در یک محیط امنیتی سبب شده که اهدافی مانند حاکمیت، امنیت، منافع، وحدت و یکپارچگی ملی از

1. Asia Map: 2015
2. Azkia and Hooglund, 2011
3. Aarts and Cavatorta, 2013

مؤلفه‌های راهبردی کلان قدرت ملی در ایران محسوب شوند و ارتقای آن‌ها در دستورکار قرار گیرد (وفائی، ۱۳۹۳: ۸۹-۸۸).

نتیجه‌گیری

جغرافیای سرزمینی ایران در یک محیط امنیتی قرار دارد به نحوی که همواره مورد طمع و تعارض قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است و این امر موجب گردیده تا مسئله تأمین امنیت ملی و نیز مقابله با تهدیدات ملی و فراملی به‌عنوان اولویت نخست و اساسی کشور مطرح شود و فرایند توسعه-سیاسی در محاق قرار گیرد. وجود برخی تشکیلات و اعمال تروریستی در ماه‌های آغازین انقلاب و حمایت رژیم بعث و آمریکا از گروه‌های معارض انقلاب اسلامی، باعث شد تا نگاه امنیتی به عملکرد تشکل‌ها، احزاب و جناح‌های سیاسی در ایران تشدید گردد. مهم‌تر آن‌که، مداخله‌ی خارجی در ایران سبب حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب شد و این مسئله به نوبه خود امنیت روانی و مادی کشور را با چالش مواجه ساخت و باعث گردید تا نسبت به مطالبات سیاسی شهروندان ایران به‌خصوص در مناطق مرزی به‌صورت مقوله‌ای امنیتی نگریسته و با آن برخورد شود. از سوی دیگر نیز، جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران روند تدریجی توسعه سیاسی برآمده از آرمان‌های انقلاب اسلامی و نیز ایجاد یک جامعه مدنی پویا که یک پل ارتباطی میان جامعه و دولت است را تعلیق نمود.

به‌علاوه اینکه، دموکراسی به‌عنوان یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه سیاسی در شرایطی که ایران با تهدیدات برون‌مرزی و مسائل امنیتی از جانب همسایگان به درون کشور مواجه بود، نتوانست بالندگی لازم را پیدا کرده و نشو و نما یابد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحولات سیاسی چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عدم تعادل در شاخص‌های توسعه‌سیاسی در ایران بیانگر این مسئله است که عمده ظرفیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران صرف تقویت و تأمین امنیت ملی شده است. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که به دلیل تضاد مؤلفه‌های توسعه‌سیاسی با محیط نامساعد امنیتی ایران در ابعاد خارجی و داخلی، رشد و گسترش یک الگوی توسعه سیاسی پایدار و مطلوب مغفول واقع شده است و مجال بروز و ظهور نیافته است و از مسیر اصلی خود منحرف شده است. در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که حصول توسعه سیاسی پایدار در ایران در گرو مدیریت صحیح تهدیدات امنیتی، ارتقاء امنیت اجتماعی،

تلاش در جهت زدودن ذهنیت و نگرش امنیت محور از جامعه و نیز تحکیم هرچه بیشتر بنیان‌های امنیت ملی در راستای ارتقای شاخص‌های توسعه سیاسی کشور باشد.

پیشنهادهای

۱. توزیع عادلانه قدرت سیاسی، رفاه اقتصادی و شأن اجتماعی در میان قومیت‌های مختلف.
۲. تضمین حقوق شهروندی، تفویض بخشی از مصادر قدرت سیاسی در استان‌ها به برخی مذاهب و قومیت‌ها در چارچوب ساختار و ضوابط درون سیستمی.
۳. رفع موانع مشارکت سیاسی در کشور با ایجاد احزاب قوی و تشکل‌های سیاسی و مدنی.
۴. تقویت سرمایه اجتماعی، اعتماد ملی و عدالت اجتماعی در جامعه، جهت افزایش شاخص مشروعیت سیاسی.
۵. ضرورت برنامه‌ریزی دستگاه‌های فرهنگی برای جلوگیری از بحران ارزش‌ها، گسترش فرهنگ ناهنجار، آسیب‌های اجتماعی و تهاجم فرهنگی.
۶. ممانعت از تعمیق شکاف‌های اجتماعی (قومیتی و مذهبی) و تسری آن به حوزه‌های امنیتی و تحت تأثیر قرار دادن شاخص‌های امنیت ملی.
۷. سیاست‌گذاری مناسب برای دستیابی به سطحی مطلوب از امنیت پایدار، متناسب با اولویت‌بندی تهدیداتی که از ناحیه روابط میان فرهنگی منازعه آمیز ایجاد می‌شود.
۸. تخصیص منابع و امکانات لازم برای مبارزه با تهدیدات خشونت‌آمیز و ممانعت از تکوین کانون‌های خشونت و افراط‌گرایی با در نظر گرفتن اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی و اقدامات مقابله‌ای در کشور.

فهرست منابع

- احمدی پور، زهرا؛ حیدری، طهمورث و میرجلالی، اکبر (۱۳۹۰). تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران. مطالعات امنیت اجتماعی، ۷(۲۷)، ۱۳-۴۴.
- احمدی، حسن؛ دادجو، روزبه (۱۳۹۱). توسعه پایدار مناطق مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۰ و ۳۱ فروردین، ۶۹-۶۰.
- اکبری، کمال (۱۳۸۸). نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی. علوم سیاسی، ۱۲(۴۷)، ۷۸-۵۳.
- امیدی، علی (۱۳۹۲). امنیت و توسعه پایدار و تقویت قانونمند حکومت‌های محلی در ایران. تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۴، ۱۳۶-۱۱۳.
- اقارب‌پرست، محمدرضا (۱۳۹۰). معرفی و نقد کتاب امنیت و توسعه در سیاست جهانی: مقایسه انتقادی. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۳(۸)، ۲۱۱-۲۰۵.
- اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده‌زهرا (۱۳۹۰). رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان. ژئوپلیتیک، ۷(۱)، ۸۰-۷۰.
- امیری، علی؛ آموزگار، سارا؛ عارفی، مسلم (۱۳۹۹). تبیین رابطه بین سطوح توسعه یافتگی و امنیت در استان‌های ایران. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۰(۴۰)، ۳۴-۱۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). انقلاب اسلامی و گسست‌های اجتماعی. نقد، ۲(۱۳)، ۱۱۳-۸۴.
- اوستین، رانی (۱۳۷۴). آشنایی با علم سیاست. ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ایزدی، حسن؛ دبیری، علی اکبر (۱۳۹۲). ارزیابی جمهوری اسلامی ایران از تروریسم در جنوب شرقی ایران. ژئوپلیتیک، ۹(۲۹)، ۱۲۶-۹۱.
- بشیری، حسین (۱۳۸۲). عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاست. تهران: نگاه معاصر.
- توسلی، غلام عباس؛ نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲)، ۶۲-۳۳.
- توحیدفام، محمد؛ پایدار، فرهاد (۱۳۹۱). استراتژی آمریکا در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۵(۲۰)، ۹۸-۶۵.

- جعفری، علی؛ برجعلیزاده، محمد (۱۴۰۱). فضای سایبر و جهانی شدن گسترده تهدیدات امنیتی. امنیت ملی، ۱۱ (۴۴)، ۳۹۶-۳۶۱.
- حیدری موصولو، طهمورث؛ کاویانی راد، مراد (۱۳۹۳). تأثیر چالش ژئوپلیتیک بر همبستگی ملی؛ مطالعه موردی: جزایر سه گانه. تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۵ (۲۱)، ۸۷-۶۳.
- خواججه سروی، غلامرضا؛ ابهچی، حمید (۱۳۹۲). مبانی نظری توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری. امنیت پژوهی، ۱۱ (۴۳)، ۳۴-۷.
- خلیلی، رضا؛ بنی‌هاشمی، میرقا سم؛ قلی‌پور؛ محسن (۱۳۹۸). امنیت و توسعه؛ تأثیر گفتمان‌های امنیت ملی بر برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران. سیاست راهبردی و کلان، ۷ (۲۸)، ۵۸۰-۵۴۸.
- خوجم‌لی، عبدالوهاب (۱۳۹۲). تبیین موقعیت ژئوپلیتیک ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۱۱ (۴۴)، ۱-۱۵.
- زارع‌زاده، رسول (۱۳۹۲). الگوی تحلیل امنیت داخلی: تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت داخلی در سطح کلان. آفاق امنیت، ۵ (۱۹)، ۳۸-۷.
- زیباکلام، صادق؛ افشاری، داوود و اصلانزاده، عبدالله (۱۳۸۹). علل روی کار آمدن آقای خاتمی (دولت اصلاحات ۱۳۷۶) بر اساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۲ (۳)، ۵۱-۷۶.
- سریع‌القم، محمود (۱۳۷۷). ژئوپلیتیک جدید منطقه‌ای و آینده توسعه یافتگی ایران. برنامه و بودجه، ۱۷ (۳۴ و ۳۵)، ۴۹-۳۸.
- ساعی، احمد؛ خضری، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ سیاسی و حاکمیت قانون در ایران؛ با تأکید بر بی‌اعتمادی سیاسی ناشی از توهم توطئه. مطالعات سیاسی، ۵ (۱۷)، ۶۵-۴۷.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵). اصول روابط بین‌الملل الف و ب. تهران: نشر میزان.
- شاه‌قلعه، صفی‌الله؛ عیسی‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا. تحقیقات جغرافیایی، ۲۷ (۱۰۹)، ۶۸-۴۹.
- شاپوری، مهدی؛ موسوی شفقانی؛ مسعود؛ سلطانی‌نژاد؛ احمد (۱۳۹۶). نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست خارجی. مطالعات راهبردی، ۲۰ (۷۶)، ۳۲-۷.
- شرفی، حجت‌الله؛ عباس‌زاده، غلامرضا؛ ایزدی، علی (۱۳۹۱). تأثیرات ناامنی مرزهای کشوری بر توسعه شهرهای مرزی (نمونه موردی: مرز ایران و افغانستان). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت: چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۱۱-۱.

- عبادی‌نژاد، سیدعلی؛ صفاری، امیر؛ پناهی، حمید و پورغلامی، محمدرضا (۱۳۸۹). نقش عوارض ژئومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور. مطالعات مدیریت انتظامی، ۵(۳)، ۴۶۷-۴۸۵.
- عباسی سرمدی، مهدی؛ راهبر، مهنوش (۱۳۸۸). توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶. سیاست، ۳۹(۲)، ۲۵۰-۲۸۰.
- عبداللهی، محمد؛ راد، فیروز (۱۳۸۸). بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران ۱۳۸۲-۱۳۰۴. جامعه شناسی ایران، ۱(۱)، ۶۳-۲۹.
- عسگری فامنین، سهراب (۱۳۷۹). دموکراسی و امنیت ملی. بازتاب اندیشه، ۱(۳)، ۱۰-۱.
- فتحی، سروش؛ مختارپور، مهدی (۱۳۹۰). توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳(۴)، ۱۰۵-۸۹.
- قادری، طاهره؛ عالی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۲). سیاست‌های دولت و توسعه سیاسی در ایران ۱۳۸۴-۱۳۶۸. علوم اجتماعی، ۱۵(۶۰)، ۴۰-۱.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۸). نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار. مطالعات راهبردی، ۱۱(۳)، ۵۲۷-۵۴۴.
- قالیباف، محمدباقر؛ پورموسوی، سیدموسوی (۱۳۸۷). ژئوپولیتیک نوین خاورمیانه و سیاست خارجی ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۱(۶۶)، ۶۹-۵۳.
- مرادیان، محسن؛ جمشیدیان، هادی و کرمی، رضا (۱۳۹۰). شاخص‌های امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد دفاعی، ۹(۳۳)، ۶۷-۳۵.
- مایل افشار، شهناز (۱۳۹۱). بررسی نقش اقلیت‌های قومی-مذهبی در تأمین امنیت؛ شناخت تهدیدها و فرصت‌ها. مطالعات اطلاعات و امنیت انتظامی، ۴(۲)، ۲۰-۱.
- معینی‌پور، مسعود (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هانتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی. مشرق موعود، ۳(۱۲)، ۱۰۶-۷۹.
- مهاجری، مسیح (۱۳۶۱). انقلاب اسلامی راه آینده ملت‌ها. تهران: نشر اوج.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷). رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- معزی، علی؛ وثوقی، سعید (۱۳۹۷). نسبت امنیت و توسعه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست جهانی، ۷(۲)، ۵۴-۲۷.

نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۴). احزاب سیاسی، هویت و همبستگی ملی در ایران. گزارش تحلیلی از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۴۴۰۰۱۶.

نویخت، محمدباقر؛ مجیدزاده، رضا و سعید غلامی‌نتاج (۱۳۹۰). ارزیابی روند توسعه ایران در سده اخیر با تأکید بر نظریه آشوب و نظریه بازی. راهبرد، ۲۰ (۵۸)، ۳۷۱-۳۱۷.

وفائی، خسرو (۱۳۹۳). توسعه سیاسی و سیاست مدرن: آسیب‌ها و چالش‌های توسعه سیاسی در ایران معاصر. علوم سیاسی، ۸ (۲۹)، ۹۰-۷۵.

واعظی، احمد (۱۳۷۸). جامعه دینی، جامعه مدنی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

یزدانی، عنایت‌الله؛ صادقی، زهرا (۱۳۸۸). تأثیر اشغال عراق توسط آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. سیاست دفاعی، ۱۷ (۶۸)، ۴۷-۹.

- Aarts, Paul & Cavatorta, Francesco (2013). *Civil Society in Syria and Iran: Activism in Authoritarian Contexts*. Publisher: Lynne Rienner website: 1-17. <https://www.riennner.com>
- Asayesh, Hossein (2011). *Political Party in Islamic Republic of Iran: A Review*. Journal of Politics and Law, Vol, 4, 1: 221-230. <https://ccsenet.org>.
- Asayesh, Hossein and Others (2010). *Obstacles of Political Party Development in Iran*. Publisher: University Putra Malaysia: 28-32.
- Asia Map (2015). *Map of Iraq and Iran*. www.mapsofworld.com.
- Azkia, Mostafa & Eric Hooglund (2011). *Rural Development in Contemporary Iran 1950-2010*. International Journal of Social Sciences, Vol, 1, No ,3: 223-239. <https://sanad.iau.ir>
- Banuazizi, Ali (1999). *Islamic State and Civil Society in Iran*. Publisher: Boston College, Seventeenth Annual Joseph (Buddy) Strelitz Lecture: 1-8.
- Coronato, Cecile (2009). *Iranian Civil Society, U.S. Engagement and Opportunities for Reform*. Publisher: Presented at the CSID 10th Annual Conference: 1-17.
- Crane, Keith (2008). *Iran's Political, Demographic, and Economic Vulnerabilities*. Publisher: RAND Corporation: 1-128.
- E. Gaines, Sanford (2006). *Sustainable Development and National Security*. William and Mary Law School Scholarship Repository, Vol, 30, 3: 220-370. <https://scholarship.law.wm.edu>.

- Evans Oluwagbamila, Ayeni (2019). *Political Development Theory, Its Criticism, And Application*. Theories and Models of Public Administration & Development Studies, 1(59): 135-50. <https://www.researchgate.net/publication/338096169>.
- Falsafi, Shiva (2010). *Civil Society and Democracy in Japan, Iran, Iraq and Beyond*. Vanderbilt Journal of Transnational Law, Vol, 43, 357: 357-435. <https://scholarship.law.vanderbilt.edu>.
- Fountain, Jane E (2005). *Central Issues in the Political Development of the Virtual State*. The Inaugural Seminar of the Virtual State Study Group, University of Tokyo: 1-29.
- Ghaffary, Gholam Reza & Khayyam, Azizimehr (2015). *Government, Civil Society and Welfare Policies in Modern Iran*. Journal of Social Science for Policy Implications, Vol, 3, 2: 63-82. <https://www.researchgate.net>.
- Jane Siena, Susan (2014). *Iranian Civil Society: Investing in the Public Sphere to Create Lasting Institutional Change*. Create Lasting Institutional Change. Public Management and Near Eastern Studies: 1-29.
- Kingsbury, Damien (2007). *Political Development. the USA and Canada* by Routledge :1-237.
- Klingebiel, Stephan (2006). *New interfaces between security and development: Changing concepts and approaches*. Institut fur Entwicklungs politik:1-145.
- Pournik, Milad. (2013). *Civil Society Organizations and Empowerment of Women and Girls in Iran*. Institute for Global and International Studies. The Elliott School of International Affairs The George Washington University Washington, DC, 1-55.
- Roumina, Ebrahim (2015). *Geopolitical regions of Southwest Asia based on civilization variable*. Geopolitics Quarterly, Vol, 10, 4: 55-69. <https://journal.iag.ir>.
- Shahnavazi, Zakaria & Askar Jalalian (2015). *Fundamental Rights and Citizen Rights in Islamic Republic of Iran Constitution*. International Research Journal of Applied and Basic Sciences, Vol, 9, 7: 1110-1113.
- Sikander, Tasneem (2015). *Political Development and Political Decay*. International Journal of Humanities and Social Science, Vol, 5, 3: 143-148.

- Squire, Catherine (2006). *Building Organisational Capacity in Iranian Civil Society: Mapping the Progress of CSOS*. International NGO Training and Research Center, 8: 1-51. <https://www.intrac.org>.
- Stewart, Frances (2004). *Development and Security*. Centre for Research on Inequality, Human Security and Ethnicity, CRISE:1-10.
- Sulovic, Vladimir (2010). *Meaning of Security and Theory of Securitization*. belgrad Center for Security Policy, 50: 1-10. www.infoplease.com/atlas/country/iran.html.

